

توصیف پدیده «خیابان»

پدیده بی‌سابقه «خیابان»، خون‌آورد شهادت نائب حضرت ولیعصر (عج) و جدیدترین مظهر مردم‌سالاری دینی است که در وضعیت فقدان رهبری و سرفرماندهی نظامی و در مواجهه با حمله دو قدرت اتمی به کشور شکل گرفت: هنگامی که ناهنجاری‌های مداوم فرهنگی و اقتصادی و بروز آثار آن در آشوب دی‌ماه، دشمن را به این طمع انداخته بود که با قطع سر، بدنه‌ی مردم ناراضی و خسته را با خود همراه خواهد کرد و به آرزوی تصاحب ایران خواهد رسید، مردم در آن لحظات حساس به خیابان شتافتند و در اوج صراحت و قاطعیت، اراده ملی را در همراهی با نظام و مقابله با تجاوز خارجی به نمایش گذاشتند و در جایگاه رهبری قرار گرفتند و جایگزین سر بریده‌ی نظام شدند.

سپس وضعیت داخلی را بر همین اساس سامان دادند و تردیدهای بزدلانه در مورد نبرد، تصورات فانتزی مذاکراتی درباره قطع‌آتش و تصورات ساده‌انگارانه پیرامون سازش و پوزش را با شور و شعور خود، به حاشیه راندند و صحنه درونی کشور را بر اساس تقابل با دشمن خارجی و به نفع مواجهه نظامی بازآرایی کردند و باعث تقویت موضع نیروهای مسلح شدند تا مقاومت چهل روزه، سرنوشت جنگ را تغییر دهد و به صورت نسبی، دست برتر را برای ایران به ارمغان بیاورد. کما اینکه مطالبات خیابان، برخی تصمیمات برای تداوم شورای موقت رهبری را به چالش کشید و تردیدها در زمان انتخاب رهبری جدید را پایان داد و به روند این انتخاب حیاتی، سرعت بخشید. همچنین مردم با احساس خطر نسبت به فعالیت هسته‌های ضد انقلاب به عنوان نیروی زمینی دشمن در شهرها، امنیت کشور را تأمین کردند؛ آن‌هم در شرایطی که ساختار امنیتی به راحتی نمی‌توانست پیاده‌نظام دشمن را کنترل کند یا تنها پس از هزینه‌های سنگین موفق به این امر می‌شد.

پس خیابان یک خروش خودجوش چند بعدی (تقابل با دشمن خارجی، بازآرایی صحنه داخلی و تأمین امنیت عمومی) و عمیقاً کارآمد در هنگامه‌ای بود که احتمال عدم توفیق ساختارهای رسمی و متداول، غیرقابل اغماض می‌نمود.

این دستاورد بزرگ باید حفظ شود و «توسعه» پیدا کند و نه تنها به ساختاری رسمی در حکمرانی تبدیل شود بلکه ساختارهای رسمی را تحت تأثیر خود قرار دهد. در واقع این «تصمیم ملی» که «خیابان» را ساخته و پرداخته کرد، باید رسمیت سیاسی پیدا کند و حضوری موثر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی فرهنگی و اقتصادی بیابد. خصوصاً با توجه به اینکه ناکارآمدی ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و تداوم آن بود که نهایتاً منجر به جرات دشمن برای ضربه به رهبری نظام شد و مردم متقابلاً با «خیابان»، یک قدرت جدید به نظام تزریق کردند. پس حالا این نیروی مردمی باید متشکل شود و به سراغ اصلاح ناکارآمدی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی رود تا آن ضربه دوباره تکرار نشود.

در این راستا لازم است این پدیده عجیب و مهم سیاسی، حائز اعتبار رسمی شود و تدریجاً در مناسبات قدرت، جایگاهی قانونی پیدا کند تا امکان فعالیت و تاثیرگذاری آن افزایش پیدا کند و هویت شکل‌گرفته‌ی آن، فضایی پایدار برای ظهور و بروز بیابد.

چارچوب طرح پیشنهادی برای تداوم و توسعه‌ی «پدیده خیابان»

۱. به عنوان پیشنهاد اولیه می‌توان موضوعاتی کنترل‌شده را در هر هفته برای تجمعات خیابانی مطرح کرد و در پایان هفته، با سامانه‌ای مطمئن به اخذ آراء مردم حاضر مبادرت کرد و الزام‌هایی را نسبت به نتیجه آن برای مسئولین در نظر گرفت. انتخاب هوشمندانه موضوعات مورد رأی‌گیری می‌تواند احتمال دوقطبی‌های کاذب و مضر یا امکان اثرگذاری بر نتیجه توسط طیف‌های معاند نظام را کاهش دهد.

حتی این روند در ابتدا می‌تواند صرفاً در قالب نظرسنجی باشد و به صورت مستند، نشان‌دهنده‌ی مطالبات مردمی باشد و سپس به سمت ترتیب اثر و الزام عملی برای آن حرکت کند. در این صورت، خیابان که منشأی انقلابی و مذهبی و ملی داشته، به کانونی برای احساس مشارکت و حضور سیاسی و تاثیرگذاری بر ساختارهای رسمی تبدیل می‌شود و جذابیتی پایدار برای این پدیده مهم ایجاد می‌کند.

۲. هنگامی که چنین قدرتی به خیابان بخشیده شود، آنگاه می‌توان گفتگوی دو و چند طرفه پیرامون موضوعات مورد نظرسنجی یا رأی‌گیری را به متن فعالیت موکب‌ها و تجمعات تبدیل کرد و استدلال‌های طرفدار هر دو یا چند گزینه‌ی طرح‌شده را به بحث و تبادل نظر مردم گذاشت. البته این گفتگوها در ابتدا باید در موکب‌ها و تجمع‌های اصلی یا گزینش‌شده که امکان کنترل و جهت‌دهی به گفتگو و رعایت خطوط قرمز و جلوگیری از توهین و تفرقه یا انفعال و ترس را دارند، شکل بگیرد تا پس از کسب تجربه، تعمیم آن دنبال شود. در این صورت، عبور از منبرهای یک‌طرفه و افزایش حضور مردم در طرح نظر و گفتگو و ضریب‌دهی رسانه‌ای به آن در شبکه استانی و فضای مجازی، خیابان را به چارچوبی دینی و ملی برای آزادی بیان تبدیل می‌کند و مشارکت فرهنگی مردم را به خود جذب می‌نماید.

۳. پس از طی این مراحل سیاسی و فرهنگی (بصیرتی) است که امکان فعالیت عینی خصوصاً در دو عرصه «نظامی» (جنگ با محوریت نیروهای مردمی) و «اقتصادی» برای اهالی خیابان فراهم می‌شود. خصوصاً در صورتی که بخش قابل‌توجهی از موضوعات که مورد نظرسنجی و منشأ گفتگو قرار گرفته‌اند، موضوعات اقتصادی باشند و مظاهر نظام سرمایه‌داری و فاصله طبقاتی، تمرکز و انحصار و سایر مفاسد برخاسته از آن را برای مردم تبیین کرده باشند تا تدریجاً درکی عمومی از نحوه مقابله با آثار سوء نظام سرمایه‌داری شکل گرفته باشد. در این صورت خیابان به منشأ توسعه همکاری و محلی برای جذب مشارکت عملی تبدیل می‌شود.

مراحل پیشنهادی برای چگونگی تحقق بند ۱ و ۲ طرح:

البته روشن است که خیابان در حال حاضر، فاقد تجربه و ظرفیت نسبت به این پیشنهادات است اما می‌توان کار را با گام‌های کوچکتر و فعالیت‌های ساده‌تر آغاز کرد. به عنوان نمونه و برای ایجاد ظرفیت نسبت به گفتگوی دوطرفه و چندطرفه، می‌توان در گام اول تعامل قبلی درباره محتوای سخنرانی بین سخنران و مجری را در نظر گرفت (مثلاً پیرامون چالش‌های واقعی برآمده از جنگ مانند ضربه به زیرساخت‌ها یا خطر نابودی آنها در جنگ بعدی و سطح تاب‌آوری مردم برای این حوادث)، سپس ارائه این محتوا از سوی سخنران، توسط مجری به چالش و پرسش کشیده شود و سخنران به آنها پاسخ دهد تا اهالی خیابان عملاً با

تمرینی برای خروج از سخنرانی‌های یک‌طرفه و حرکت به سمت گفتگوهای طرفینی اخلاق‌محور مواجه شوند. متناسب با ظرفیت مخاطبین، این گام می‌تواند از چند روز تا چند هفته ادامه پیدا کند و در خلال آن، مجری تلاش کند تا زبانی صادق برای بیان سوالات و ابهامات مخاطبین قرار بگیرد و با رفتار فعالانه خود به تدریج، حاضرین را برای طرح پرسش از سخنران تحریک کند.

در گام بعد، جمعی از حضار تدریجاً وارد گفتگو و پرسش و پاسخ با سخنران شده و مجری صرفاً به مدیریت این پرسش و پاسخ‌ها مشغول می‌شود تا سوالات از نظر محتوایی، اخلاقی و... به تداوم گفتگو کمک کنند و نه اینکه موجب اختلال در آن شوند. این روند که باید توسط مشاوران محتوایی موکب به صورت روزانه کنترل و بازآرایی شود، فضایی ایجاد خواهد کرد که شرکت‌کنندگان تدریجاً احساس مشارکت و هویت، حفظ اخلاق، رعایت منطق، امکان بیان آزاد و هیجان مثبت برآمده از آن و... را در سطح بالاتری تجربه کنند.

البته این مراحل دارای الزامات و نیازمند به امکاناتی هستند:

۱. یک سامانه‌ی برخط برای نظرسنجی از مخاطبین نسبت به ارائه سخنران و سوالات مجری؛ تا بتوان در ابتدا به برآوردی درباره وضعیت فکری شرکت‌کنندگان و میزان تغییرات در آن دست یافت و در مراحل بعد، آن را به ابزاری برای رأی‌گیری نسبت به محتوای ارائه‌شده و اعلام عمومی آراء تبدیل کرد.
۲. خلاصه‌ای از محتوای ارائه‌شده و سوالها و پاسخ‌ها در هر شب باید تهیه شده و قبل از شروع برنامه در شب بعدی، در اختیار مخاطبین قرار بگیرد تا ذهن آنها درگیر محتوا باشد و امکان جمع‌بندی از مباحث برای‌شان تسهیل شود.
۳. تیم رسانه‌ای با استفاده از ظرفیت‌های موکب، به تولید محتواهای کوتاه و جذاب از این مباحثات اقدام کند تا امکان انتقال آن به دیگر مواکب فراهم شود.
۴. مدیران موکبی که این برنامه در آنها اجرا شده و تا حد مناسبی پیش رفته، به ارتباط موثر با مواکب نزدیک در محله و منطقه اقدام کنند و با توجیه طرح و بیان تجارب و موفقیت‌های آن، زمینه اولیه برای اتصال مواکب به یکدیگر را برای تعمیم و تکثیر این طرح بوجود بیاورند.

در این صورت می‌توان وارد گام سوم شد و به دعوت از نخبگان و مسئولان و کارشناسان در مسائل مختلف نظامی و اقتصادی برای مناظره در خیابان اقدام کرد؛ عناصری که نظرات متضادی با یکدیگر دارند. چرا که تدریجاً سطحی از قدرت و جذابیت و اعتبار برای مواکب فعال در این طرح ایجاد شده که احتمال پذیرش این دعوت از سوی عناصر فوق را افزایش می‌دهد و برای کسانی که این دعوت را رد کنند، هزینه ایجاد می‌کند و آن را به نوعی فرار از پاسخگویی در یک فضای صریح و منصفانه تبدیل می‌نماید. البته این مناظره باید به صورت سازماندهی شده و مدبرانه انجام شود و با ابزارهایی کنترل شود که اخلاق و منطق و هیجان را به صورت همزمان تضمین کند؛ ابزارهایی از قبیل قضاوت هیأت منصفه درباره اخلاق طرفین مناظره، صحت و سقم استدلال هر یک از آنان و نمایش آراء اعضای هیأت و سپس رأی‌گیری از عموم درباره طرف برتر با توجه به نظر هیأت منصفه و...

در این گام، الزامات و امکانات چهارگانه‌ای که در مراحل قبلی ذکر شد، طبعاً باید ارتقاء پیدا کند و پیچیده‌تر و کارآتر شود.

با این توضیحات روشن می‌شود که مشاوران محتوایی موکب باید خود دارای یک نظام فکری و تصویری از مسائل و چالش‌های اصلی کشور و ترسیمی کلی از راه‌حل‌ها باشند تا بتوانند سیر گفتگوها و مناظرات را به سمت راه‌حل مدنظر مدیریت کنند تا امکان جمع‌بندی توسط افکار عمومی و تمرکز اراده‌ها و ذهنیت‌های جامعه بر راهکارها فراهم شود. لذا اگر این طرح در مقیاس کوچک پیگیری شود، یکی از نحله‌ها در میان نخبگان انقلابی که چنین چارچوبی از مشکلات و راه‌حل‌ها را دارند، می‌توانند پیشقراول این حرکت شوند و اگر اجرای این طرح در مقیاس بزرگتری مدنظر باشد، باید گفتگویی عملیاتی و با زمان محدود، بین نحله‌های مدعی راه‌حل در میان نخبگان انقلابی سامان داد تا با تقاطع‌گیری و ایجاد اجماعی نسبی بر آسیب‌شناسی از وضعیت کشور و راه‌حل‌ها، ظرفیت بزرگتری برای تحقق طرح را به میدان آورد.

پیشنهاد عملی برای چگونگی تحقق بند ۳ طرح:

بعد از این مشارکت فرهنگی و آزادی بیان که در چارچوب ارزشی شکل می‌گیرد و بعد از مشارکت سیاسی مردم در نظرسنجی و رأی‌گیری نسبت به محتوای گفتگوها و مناظرات و مواضع طرفین آن، تدریجاً می‌توان این ظرفیت جدید را به بستری برای مشارکت عملی نیز سوق داد: موکب‌ها و تجمعات محلی و کوچک‌تر به دلیل اتصال طبیعی آنها به مساجد، امکان بهتری برای شناسایی نیازمندی‌های برخاسته از وضعیت جنگی در هر محله را دارند. لذا با طرح این نیازها و تفاهم آن با اهالی محل می‌توان کمک‌های مالی، مهارتی و... توسط شرکت‌کنندگان در تجمع را به نیازهای مورد نظر اختصاص داد که در این زمینه، پیشنهاد «شکل‌دهی به زیرساخت‌های غیرمتمرکز و محلی برای وضعیت اضطراری» و «اجرای تمرین و مانور بر محور آن»، می‌تواند یکی از نیازمندی‌ها تلقی شود که باید به مشارکت عملی برای رفع آن پرداخت. در صورت موفقیت نسبت به موارد خُرد، تدریجاً می‌توان وارد امور کلان‌تری شد و کنش عملی برای خیابان را به موضوعات بزرگتری در عرصه اداره کشور معطوف کرد.

تلفن کارشناسان و مشاورین کمک به اجرای این طرح: ۰۹۱۹۸۲۸۶۹۶۴ - ۰۹۱۲۶۱۸۱۲۵۸